

برک سبزرنامه شماره ۲۰۹ شهیدی، پروزیماحتی، آهنگ دریات اصفهان

روشنک: (شعر عطار)

چشم بکشا، چشم بکشا که جلوه دلدار
به تجلی است از درود دیوار
این تماشای جو سگری کوئی
لیس فی الدار غیره دیار

آقای پروزیماحتی نغانی دریات اصفهان به یادگاری نواز دو سپس باهمراهی عود آقای شهیدی نغانی به اتفاق اجرامی کنند.

روشنک: (ظهوری ترشیزی)

بیاساقیا، مگذران روزرا
بد آتش عاقبت سوزرا
به رویی که سوزد ز تابش نقاب
به چشمی که از چشم باورده خواب
به صحرا نوردان ملک جنون
به کشتی نشینان دریای خون
به ترکان غارتگر صبر و هوش
به کشمیریان ملاحظت فروش
به رنگین تدروان بستان زیب
به وحشی غزالان دشت فریب
به پروین فشانان خوی کرده روی
به فریاد خاموشی اهل درد
به آبی که بر شعله دامن زند
به دوشی که بار ملامت کشید
به آن دل که بر خیزد آبی ازو
به نازی که صد کشته را خون بهاست
که دیگر مکن بانظوری جفا
کسی چند باشد چنین سگدل؟
اسیر خارم، شرابی کجاست؟
دلم بردم سوخت، آبی کجاست؟

زغم مرده ام، زنده ام کیستم؟ ستم چند؟ چاره کیستم؟
میازد چاره سازی در آبی زمانی بر عاشق نوازی در آبی

استاد پرویز باحتی، بچنان بانوای شیرین ساز خود شنوندگان را مخطوط می دارد.

روینک:

میازد چاره سازی در آبی زمانی بر عاشق نوازی در آبی

آقایان پرویز باحتی با ویولن و شهیدی با عود چهار مضربانی را به علاقه مندان تقدیم می دارند.

آواز عبدالوهاب شهیدی: (شعرو حسی بافتی)

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید قصه بی سرو سامانی من گوش کنید
داستان غم پنهانی من گوش کنید گفتگوی من و حیرانی من گوش کنید
(شرح این آتش جانسوز) ۲ نغمه تن تاکی سوختم، سوختم این سوز نهنقن تاکی
روزگاری من و دل ساکن کوئی بودیم ساکن کوئی بت عبده جویی بودیم
عقل و دین باخته دیوانه روی بودیم به سلسله ی سلسله مویی بودیم
کس در آن سلسله غمراز، من و دل بند نبود، بود یک گرفتار از این جمله که مستند نبود

اجرای ترانه عبدالوهاب شهیدی: (شعرو حسی بافتی)

نرگس غمزه زنش این همه بیمارداشت سنبل پر شکفتن بیج گرفتارداشت
این همه مشتری و گرمی بازارداشت یوسنی بودولی بیج خریدارداشت
اول آن کس که خریدارشدش من بودم باعث گرمی بازارشدش (من بودم) ۲

برگشت به آواز: (شعرو حسی بافتی)

عشق من شد سبب خوبی و رعنائی او داور سوالی من شهرت زیبائی او

بس که دادم همه جاشرح دلارایی او (شهرپرگشت زغوغای) ۲ تاشایی او
(این زمان) ۲ عاشق سرکشته فراوان دارد کی سربرک من بی سروسلان دارد
(این زمان) ۲ عاشق سرکشته فراوان دارد کی سربرک من بی سروسلان دارد

روینک: (شعرعراقی)

(زید که زد گاهت نو میدنکرد باز) ۲ آن کس که به امیدی برخاک درت افتد

این هم برک سبزی بود تخمه درویش، علی گنبدار شتا.

گوینده خانم از رادیو:

آنچه شنیدید برک سبز شماره ۲۰۹ بود که با شرکت آقایان عبدالوهاب شهیدی و پرویز یاحقی تنظیم گردیده، اشعار از عطار، ظهیری، وحشی بافقی و عراقی، اسبک دریات اصفهان، گوینده روینک.

مدت زمان برنامه ۲۵ دقیقه و ۳۸ ثانیه است.

توضیحات:

آنچه به دوستان صاحب دل تقدیم شد برک سبز شماره ۲۰۹ بود که با این شماره به ثبت رسیده. معرنی برنامه جامع و بدون عیب است و حتی اشعار بکار رفته بر طبق ترتیب معرنی آمده است. برنامه ای است بسیار دلنشین و جذاب که ابتدا از ساقی نامه ظهیری ترشیزی دکلمه شده و سپس اشعاری از ترکیب بندهای معروف و وحشی بافقی با صدای ملکوتی آقای شهیدی پانچ شیرین استاد پرویز یاحقی، سمع شوندگان رسیده. این برنامه شاید از معدود برنامه های برک سبز باشد که فقط یک خواننده و یک نوازنده در آن شرکت داشته. ناکفته نماند که آقای شهیدی همین اشعار را در مایه اصفهان در برنامه ای دیگر که از رادیو بر نامه دل انگیزان پخش شد با عود خود نواخته و خوانده که برنامه ای جداگانه بوده ولی مشخص نیست از چه نوع برنامه کلمات و

شاید موسیقی ایرانی بوده و حتی اشعار خوانده شده از نظر ترکیب با این برنامه فرق دارد و جهت اطلاع علاقه مندان اشعار خوانده شده را در زیر می آوریم که علاقه مندان آن را با اجرای این برک سبز مقایسه نمایند.

داستان غم پنهانی من گوش کنید	(دوستان) شرح پریشانی من گوش کنید
گفتگوی من و حیرانی من گوش کنید	قصه ی بی سرو سامانی من گوش کنید
(سو ختم، سو ختم) این درد نهفتن تاکی	شرح این آتش جانوز نگفتن تاکی
تبع خوبی ست عبده جویی بودیم	روزگاری من و دل ساکن کوئی بودیم
به سلسله ی سلسله مویی بودیم	عقل و دین باخته دیوانه روی بودیم
یک گرفتار از این جمله که هستند نبود	کس در آن سلسله غیر از من دل بند نبود
سنبل پر سگش هیچ گرفتار نداشت، نداشت	ز کس غمزه زنش اینهمه پیار نداشت
یوسفی بود ولی هیچ خریدار نداشت	اینهمه مشتری و گرمی بازار نداشت
باعث گرمی بازار شدش من بودم	اول آن کس که خریدار شدش من بودم
داور سوایی من شهرت زیبایی او	عشق من شد سبب خوبی و رعنائی او
شهر پرگشت ز غوغای تماشایی او	بسکه دادم همه جا شرح دلاری او
کی سربزرگ من بی سرو سلمان دارد	این زمان عاشق سرگشته فراوان دارد

دو بیت به شکل تصنیف:

می توان یافت که بر دل زنش باری هست	آن که بر جانم از او دم به دم آزاری هست
بفروشد که به هر گوشه خریداری هست	از من و بندگی من اگرش عاری هست

برگشت به آواز:

بنده ای بچومر است خریداری بسی	(به وفاداری من نیست در این شهر کسی) ۲
شد دل آزرده و آزرده دل از کوی تورفت	گرچه از خاطر و حسی هوس روی تورفت
بادل پرگله از ناخوشی خوبی تورفت	از دلش آرزوی قامت و بجوی تورفت

حاشیه که وفای تو فراموش کند سخن مصلحت آسینر کسان گوش کند ۲

با نگونه که ملاحظه شد اجرای ایات دو برنامه فرق دارد و خود اجرا نیز آهسته تر بوده، از این جهت ممکن است افرادی اجرای دوم را داشته باشند که باید متوجه باشند که برگ سبز ۲۰۹ نیست ولی احتمال دارد برگ سبز دیگری بوده و یا از نوع برنامه های دیگر.

توجه: کلیه مطالب مندرج در بالا توسط محقق محترم جناب استاد علیرضا دربندی تهیه شده که شامل بررسی کامل برنامه و توضیحات افزوده شده شخص ایشان می باشد. جای دارد که سپاس فراوانمان را نشان بکناییم زیرا که نتیجه سالها زحمات خویش را وقف عموم کرده اند. در خاتمه از دوستانی که جهت تصحیح و تکمیل این مطالب مایل به همکاری هستند تقاضا مندم از طریق آدرس ایمیل Asheghane1golha@gmail.com با ایشان تماس حاصل نمایند.

مسعود نوین فرحبخش